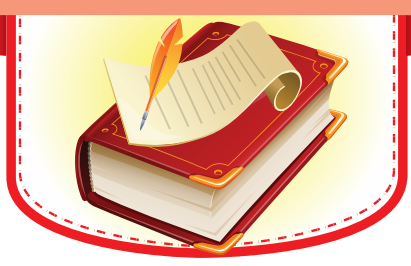


به دیدارم بیا هر شب  
این تنهایی تنها و تاریک خدا مانند دلم تنگ  
است  
بیا ای روشن، ای روشن تر از لیخنه  
شبم را روز کن در زیر سرپوش سیاهی‌ها دلم  
تنگ است  
بیا بنگر، چه غمگین و غریبانه  
در این ایوان سرپوشیده  
وین تالاب مالامال  
دلی خوش کرده‌ام با این پرستوها و ماهی‌ها

و این نیلوفر آبی و این تالاب مینابی  
بیا، ای هم گناه من در این برزخ  
بیشتم نیز و هم دوزخ  
به دیدارم بیا، ای هم گناه، ای مهربان با من  
که اینان زود می‌پوشند رو در خواب‌های  
بی‌گناهی‌ها و من می‌مانم و بیداد  
بی‌خوابی

## اخوان ثالث

## ادبی و هنری



صفحه  
۶  
شماره  
۲۷۰۹  
سال  
بیست و پنجم

## رضا شایسته‌نیا

### تقدیم به ۱۴۷ لاله پرپر و ۱۷۶ انسان مظلوم

شاید تمام قصه همان‌جا تمام شد  
وقتی پرنده از قفسش بال می‌گشود  
وقتی که دست صبحه از سمت ناگهان  
از آسمان لطافت پرواز را ربود  
وقتی میان چشمک سرد ستارگان  
داغی آتشی دل آرام شب درید  
وقتی که مرگ خسته‌تر از پلک چشم او  
در لابه‌لای بال پرنده سرک کشید  
شاید تمام قصه همان‌جا تمام شد  
وقتی مسیر رفتن و بودن به هم رسید  
وقتی پرنده زحمت پرواز را نداشت  
بی‌بال و پر زدن به بلندای غم رسید

شاید تمام قصه همان‌جا تمام شد  
وقتی که بی‌کرانه آبی سیاه شد  
وقتی که وسعت تن آبی بیکران  
سرخ از لیب خون تن بی‌گناه شد  
آری تمام قصه همان‌جا تمام شد  
آری تمام قصه غم و درد و رنج بود  
آی ای پرندگان رها گشته از زمین  
دست که بود این غزل نحس را سرود...

## نقیسه سادات موسوی

دستشان باز شد آلوده به خون، جانی‌ها  
بی‌دوام است ولی خنده شیطانی‌ها  
کم علمدار ندادیم در این کرب و بلا  
کم نبودند در این خاک سلیمانی‌ها  
جای هر قطره خون، صد گل از این باغ شکفت  
کی جهان دیده از این‌گونه فراوانی‌ها؟  
آرزو داشت به یاران شپیدش برسد  
رفت پیوست به حاج احمد و طهرانی‌ها  
شعله شد خشم فروخورده ما از این داغ  
کم مباد از سرشان سایه نادانی‌ها  
برسانید به آنها که پشیمان نشوند  
ثمری نیست در این دست پشیمانی‌ها  
غیرت است این‌که همه پیر و جوان می‌بندند  
گره بر چکمه و سربند به پیشانی‌ها  
انتقامش به خدا از حجی سخت‌تر است  
وای از مشیت گره‌کرده ایرانی‌ها!  
راهی قدس شده لشکر آزادی قدس  
این خبر را برسانید به سفیانی‌ها

## جلال خاوند

مرغان عاشق  
عشق معنایش همیشه بوسه و معشوق و خلوت‌نگاه نیست  
هیچ‌کس جز عشق از گنجینه اسرار عشق آگاه نیست  
گاه گاهی تکه‌ای از استخوان لای کفن معنای عشق  
گاه گاهی سر جدا پیکر جدا سر بی بدن معنای عشق  
عشق گاهی معنی‌اش یک پای جامانده درون معبر است  
تا شهادت سجده کردن بر ضریح خاک سرخ سنگر است  
عشق معنایش گمانم نان خشکی دست‌های خاکی است  
خنده بر لب وقت جان دادن گمانم علتش بی‌باکی است  
عشق گاهی پاره پیراهنی سوی پدر آوردن است  
گاه گاهی یک پلاک تیرخورده بی‌خبر آوردن است  
یک نشان از تار مویی شانه‌ای انگشتری معنای عشق  
یا که سربندی معطر بی‌سر از هم‌سنگری معنای عشق  
عشق گاهی روزه دارد غرقه خون لب تشنه می‌خندد به آب  
تا اذان کلی عطش مانده بگو کمتر بتاب ای آفتاب  
عشق؛ زخمی از گلوله بر ستر سینه دارد یادگار  
ترکشی جامانده از خمپاره دارد یادگار کارزار  
عشق روزی روزگاری قصه مجنون هویره فکه بود  
کاروبار عاشقی دلدادگی در شط کارون سکه بود  
یاد آن شب‌های عشق و آه ازین شب‌های سرد هرزه‌گرد  
رفته از یاد من و ما ارزش و اینار آن مردان مرد  
جان‌فشانی‌های آن مرغان عاشق عشق را تفسیر کرد  
سرخی خون شقایق عاشقی را این چنین تعبیر کرد

## کاظم بهمنی

آن مسافر که سحر گریه در آغوشم کرد  
آتشم زد به دو تا بوسه و خاموشم کرد  
خواستم دست به مویش ببرم خواب شود  
عطر گیسوش چنان بود که بی‌هوشم کرد  
معصیت نیست نمازی که قضا کرد از من  
معصیت زمزمه‌هایی‌ست که در گوشم کرد  
نیمه‌شب‌ها پس از این سجده کنان یاد من است  
آن سحرخیز که آن صبح فراموشم کرد  
چه کلاهی به سرم رفت، کیوتر بودم  
یک نفر آمد و با شعبده خرگوشم کرد  
در عزاداری او رسم چهل روز کم است  
یاد چشمش همه عمر، سیه پوشم کرد

**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**  
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.  
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.  
tolou.news@yahoo.com  
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: طیبه خسروی

## جستاری کوتاه بر کتاب «یک عاشقانه برعکس»

\* مینیمال ناگهان ژرف \* سعید رضا امیرآبادی \* ترجمه یاسر محبوب \*



خوشبختانه، مترجم این اثر از چنین وادی پرآشوبی تا حدود زیادی به سلامت عبور کرده و به نظر می‌رسد دلیل این ماجرا به اشراف وی به زبان‌های مبدأ و مقصد باز گردد.  
ادای دین ادبیات به میهن  
سوم آن‌که در کتاب «یک عاشقانه برعکس» با بارقه‌هایی از دلسوزی و احساس مسئولیت هم روبرو هستیم. مترجم به‌جای آن‌که با سوادی منفعت مالی وارد بازار سرد کتاب و کتاب‌خوانی شود، تلاش کرده در حد توانش به حوزه ادبیات و مخاطبان ایرانی ادای دین کند. او به راحتی می‌توانست شناخته‌شده‌ترین آثار نویسندگان جهانی را که صد باره ترجمه شدند بازنویسی کرده و به نوعی، فروش اثرش را تضمین کند؛ اما به نظر می‌رسد یاسر محبوب به‌جای تکرار مکررات، به شاهکارهایی می‌پردازد که کمتر در بازار کتاب ایران توجهی به آنها شده است. بدین وسیله، مخاطب عامی با آثار پرمایه‌ای از نویسندگان برجسته جهان که در بازار کتاب ایران مهجور مانده‌اند هم روبرو می‌گردد. پرهیز مترجم از برگردان صد باره قلمه حیوانات و صدسال تنهایی و به‌جای آن، برگردان شاهکارهایی نظیر چشمان یک سگ آبی‌رنگ، شلیک به یک فیل و نوانخانه اسپایک، مثال بارزی بر این ادعاست. چهارم آن‌که طرح جلد «یک عاشقانه برعکس» هم در نگاه اول وسوسه‌برانگیز است. سطح خاکستری جلد با سایه‌های سیاهی از درخت خشکیده، مردمان تنها، پرندهای در مسیر ناگج‌آباد و داستانی که کتاب را تقدیم می‌کند، موجب کنج‌کاوی عامی‌ها و تأمل مخاطبان خاص می‌شود و این، نشان از ژرفای نگاه هادی مالجانی در مقام طراح جلد دارد. شاید خاصیت یک طرح جلد مقبول هم همین باشد؛ چیزی که در محصولات بصری ما یک گم‌گشته بزرگ است. تصویرسازی‌های تأمل‌برانگیز جای خود را به شکل‌های رنگارنگ و خالی از ایده‌های پردازش یافته‌ای داده‌اند که از رنگ‌های جیغ مستورند.

در بچوبه برگردان آثار ادبی جهان و ایرانیزه کردن قصه‌ها برای مخاطب ایرانی، با یک تهدید نگران‌کننده مواجهیم. بسیاری از ترجمه‌ها هیچ‌گاه نتوانسته‌اند انسجام و جذابیت متن مبدأ را در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان قرار داده و در افزایش سرنه مطالعه جامعه نقش مثبتی داشته باشند. در حقیقت، بسیاری از مترجمان در دوره‌های ترجمه واژگانی و گرداب برگردان واژه به واژه گرفتار آمده‌اند و به دلیل فقر اندوخته‌های ذهنی، از انتقال مفهوم بازمانده‌اند؛ اما این فقر ادبی پایان ماجرا نیست. خوشبختانه، آثار ارزنده‌ای هم به چشم می‌آیند که با وسواس دوچندان وارد حیطه ترجمه شده و از ارائه آثار زرد و فرومایه اجتناب ورزیده‌اند.



## پرندگانی که بدون چشم‌داشت با هم نوعانشان مهربان‌اند



تنها در نخستین‌ها دیده شده است. اگرچه پژوهشگران نشان داده‌اند کلاغ‌ها در آزمایش‌های نوع‌دوستی شکست خورده‌اند، پرندگان باهوش دیگری مانند طوطی‌ها نیز وجود دارند. طوطی‌های کاکلی می‌توانند ابزارهای خاصی خود را بسازند و حتی خلاقیت بازی گوشانه از خود نشان می‌دهند. طوطی‌های خاکستری آفریقایی در برخی از آزمایش‌ها نشان داده‌اند که از کودک انسان باهوش‌تر هستند. پژوهشگران آزمایشی درباره نوع‌دوستی طراحی کردند و دو نوع طوطی را آزمودند: هشت طوطی خاکستری آفریقایی و شش مکائو سرآبی (Primolius couloni). پرندگان از قبل آموزش دیدند که برای دریافت تیمار (تکه‌ای گردو) و اشرفای فلزی را مبادله کنند. در مرحله بعد، این آموزش تجدید شد و دانشمندان روابط پرندگان آزمایش‌شده را با دیگر پرندگان همونوع ارزیابی کردند. هر پرنده با پرندهای که با او پیوند نزدیکی داشت و نیز پرنده دیگری که با او پیوند کمتری داشت، آزمایش شد. پرندگان در محفظه‌های شفاف قرار داده شدند که دیوار تقسیم‌کننده‌ای بین آنها قرار داشت.

رفتار نوع‌دوستی در جانوران همونوع را در طوطی‌های خاکستری آفریقایی نشان داده‌اند. به گفته چارلز داروین، کمک به دیگران مفهومی ندارد؛ با این حال، بارها و بارها شاهد نوع‌دوستی در جانوران مختلف بوده‌ایم: در نخستین‌ها، سگ‌ها، آببازان، فک‌ها و حتی خفاش‌های خون‌آشام. اکنون، برای اولین بار این رفتار در پرندگان نشان داده شده است. این پرندگان یکی از پرندگان بسیار باهوش است: طوطی خاکستری آفریقایی (Psittacus erithacus). آزمایش‌های جدید نشان داده این پرندگان با خوشحالی و بدون انتظار پاسخ برای رفتار خود، به همونوع خود کمک می‌کنند که به تیمار مطلوبی (مثلاً تکه‌ای غذا) برسند. دزیره براکز، زیست‌شناس و پرندشناس مؤسسه ماکس پلانک می‌گوید: دریافت‌هایم طوطی‌های خاکستری آفریقایی داوطلبانه و خودجوش به طوطی‌های آشنا برای رسیدن به هدف کمک می‌کنند، بدون اینکه مزیت آشکار فوری برای خودشان وجود داشته باشد. پرندگان یک گام پیش‌تر می‌روند. برای مثال، برخلاف نخستین‌ها، اگر یکی از دوستانشان تیمار مناسبی دریافت کند، طوطی‌ها خشم یا حسادت از خود نشان نمی‌دهند. در عوض، به نظر می‌رسد کاملاً خشنود هستند که دوستانشان تیمار مناسبی دریافت می‌کنند. در میان پرندگان، این کلاغ‌ها هستند که به هوش خود معروف هستند و دلایل خوبی هم دارد. در واقع، کلاغ‌ها مهارت‌هایی از خود نشان داده‌اند که قبلاً